مرکز تحقیقات و اطلاع رسانی وقف



جعفر گل محمّدی
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

قرض الحسنه و ضرر

یکی از شبهاتی که در مورد قرض الحسنه مطرح می‌شود، این است که اگر کسی قرض مدّت‌دار، دهد و در مقابل، بهره‌ای دریافت نکند، هنگام دریافت قرض داده شده، ضرر کرده است، چرا که به دلیل تورّم سالانه و کاهش ارزش پول، پول پرداختی با پول دریافتی به هیچ وجه قابل برابری با یکدیگر نیست و در نتیجه این به ضرر قرض دهنده است.

در پاسخ به این شبهه باید گفت: قطعاً کسانی که از اموال و یا خدمات خود، در این زمینه هزینه می‌کنند، به حسب مادّی دچار زیان و خسران می‌شوند، چرا که بخشی از اموال خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند بدون آنکه امکان بازگشت آن وجود داشته باشد، امّا این افراد نه تنها از این عمل خود پشیمان و نادم نیستند، بلکه بر این انفاق و بخشش، افتخار و مباهات نیز می‌کنند چرا که اعتقاد دارند بر اساس آنچه که تکلیف و وظیفه‌ی شرعی آنها بوده است، عمل کرده‌اند و اگر غیر از این بود، احساس ناراحتی و عذاب وجدان می‌کردند.

البتّه این عمل از نظر کسانی که فاقد بینش الهی و توحیدی هستند، به یقین، نوعی بی‌خردی است، چرا که در جهانی که جز این چند صباح نیست و در پسِ آن، نه حسابی است و نه کتابی و نه پاداش و نه عذابی، اینگونه هزینه کردن، تباه کردن مال است (البتّه بگذریم از اینکه در جهان مادّی و غیر الهی نیز انسان‌ها برای آرام کردن محیط اطراف خود و کاستن از خشم‌های طبقاتی و ارضای عقده‌های بزرگ‌بینی خود و جلب محبّت دیگران و به زیر سلطه درآوردن انسان‌ها، کمک‌هایی به نیازمندان می‌کنند)، امّا فرد مسلمان به دلیل انجام تکلیف و امتثال امر مولای خود، انفاق و بخشش می‌کند و پاداش آن را در روز قیامت از خداوند دریافت می‌کند.

ما که مکلّف به انفاق و بخشش به هم‌کیشان نیازمند خود هستیم، حال اگر گفته شود که در مواردی به جای انفاق که به جهت شرایط خاصّ متقاضی، انفاق به مصلحت او نمی‌باشد به وی قرض الحسنه دهید و از پاداش بیشتری نسبت به آنچه انفاق دارد (صدقه ده پاداش و قرض الحسنه هیجده پاداش) بهره‌مند شوید و وجه دریافتی خود را نیز

عیناً دریافت کنید، آیا این نوعی ارفاق به قرض دهنده که در واقع همان انفاق کننده است، نیست؟ در این صورت اگرچه با گذشت زمان، ارزش پول کاسته شود، امّا این کاهش برای کسی که حاضر است انفاق کند (یعنی پولی بدهد که بازگشت نداشته باشد) نه تنها ناراحت کننده نیست که بسیار خوشحال کننده هم هست. اصلاً قرض را بر این بگذاریم که کسی قرض دهد و گیرنده‌ی آن، توانایی پرداخت حتّی اصل مبلغ را نیز نداشته باشد، در این صورت هم قرض دهنده‌ی متدیّن احساس پشیمانی و خسران نمی‌کند، چرا که می‌تواند آن مبلغ را صدقه به حساب آورده و از دو پاداش قرض و صدقه‌ی توأمان بهره‌مند گردد.

علّت آنکه برخی قرض الحسنه را مایه‌ی خسران قرض دهنده می‌دانند، ریشه در پیش فرض‌ها و مبانی معرفتی آنها دارد. مگر کسی که برای اعتلای دین خداوند به جهاد و مبارزه برمی‌خیزد و در این راه از جان و مال خود می‌گذرد و گاه تا پایان عمر، رنج جراحت‌ها و ناراحتی‌های جسمی و مالی را بر دوش می‌کشد، از طریق بینش ماتریالیستی و مادّی قابل توجیه و دفاع است؟ آیا کسی حاضر است داوطلبانه جان خود را در طبق اخلاص نهد و خود را فدای کسانی کند که در خانه و کاشانه‌شان آرمیده‌اند؟ هرگز! مگر اینکه از بینش الهی و اعتقاد به معاد و حساب و کتاب روز قیامت برخوردار باشد، در غیر این صورت با هر منطق دیگر، کشته شدن در راه دیگران یا وطن و... جز حماقت و تحت تأثیر تبلیغات واقع شدن چیز دیگری نیست.

پس قرض الحسنه، اگرچه در ظاهر و بر اساس محاسبات دنیوی منجر به ضرر مادّی ناشی از کاهش ارزش پول می‌شود، امّا این ضرر از طریق دیگری که غیر مادّی است قابل جبران است. خداوند به قرض دهندگان وعده‌ی پاداش چندین برابر داده است. آیا برای فرد متدیّنی که با انگیزه‌های الهی به این عمل دست زده است، همین که توانسته است دعوت خدا را اجابت کند و در عوض، پاداش خود را از قرض گیرنده‌ی اصلی (خدا) دریافت کند، کفایت نمی‌کند؟

مگر آنان که پول خود را به بیچارگان و محرومان درمانده، داده‌اند و از اضطرار آنها سوءاستفاده کرده و در عوض، چندین و چند برابر از آنها گرفتند، چه لذّتی از این فزونی مال و ثروت خود بردند و چه تاجی بر سر نهادند که وام‌دهندگان بدون چشمداشت، از آن بی‌بهره ماندند.

آنان که از مردم ربا گرفتند، چهره‌ای زشت و پلید و خون‌آشام و ددمنش، در نزد جامعه دارند و هیچ گاه از پیامدها و آثار شوم خشم و نفرت و دل پر کینه‌ی مردم محروم در امان نیستند، امّا آنان که به خاطر خدا در وقت نیاز و دردمندی دست نیازمند را بی‌شائبه و منّت و آزار و چشمداشت گرفتند، همواره از رضایت خداوند و محبّت توده‌ی مردم برخوردارند که همین، مایه‌ی آرامش و امنیّت خاطر آنها در این دنیا و در سرای آخرت است.

...ادامه دارد